



۲۰۱۷/۰۷/۲۳

م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

## یاد بود از اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (رح) پیشوای عادل و پاسدار عدالت در افغانستان



اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، اعلیحضرت امان الله خان را برای دیداری دعوت کردند که اعلیحضرت امان الله خان با مسرت پذیرفتند. این دیدار دو شاه افغانستان در شهر روم پایتخت ایتالیا صورت پذیرفت

شهنشاهی که دورانی وطن را پاسبانی کرد  
به حکم حق کمر بست و به نیکی حکمرانی کرد

\*\* \* \*\*

گرچه هنگام زمامداری مرحوم محمد ظاهرشاه «بابای ملت»، من هم در صف مخالفان و منتقدان قرار داشته و منظومه های شدیدالحنی به نام و عنوان شخص شاه سروده ام که بعد از سقوط نظام شاهی، بخصوص در غربت و دوری از وطن، تعدادی از آن در جاهایی انتشار یافته است و شاید تعداد زیاد آن در بخش دوم مجموعه اشعار گنجانده شود.

با کودتای ۲۶ سرطان و به تعقیب آن، ظهور نظام های متعدد چپ و راست افراطی و مداخله آشکار و پنهان بیگانگان، قیام مردم علیه آن و جنگ های داخلی، نظام اقتصادی، سیاسی، اردو و موارد دیگر چنان بهم خورد که در اثر آن و با مداخله همسایگان طماع شهر و دیار به ویرانه تبدیل و بیش از دو ملیون انسان، جان های شیرین خود را از دست دادند و این ویرانی و کشتارها تا هنوز به شیوه های مختلف ادامه دارد.

از همین خاطر است که اکثریت قاطع مردم از جمله مردمانی به سن و سال من را با یاد زمان های آرامش و صلح و عزت افغانستان که در سایه زعامت آن شاه مهربان و بی آزار داشتیم، می اندازد و با آه و حسرت آرمان آرامش نسبی همان دوران را می خوریم.

اینک به یاد بود دهمین سال وفات مرحومی، منظومه ای را که در رثای شان سروده ام تقدیم دوستدارانش می کنم، روح شان شاد و یاد شان همیشه گرامی بادا!

## اشکی به یاد بابای ملت به مناسبت دهمین سال رحلت شان

شه والای دین پرور، مطیع دین پیغمبر

اطاعت از خدا و از کتاب آسمانی کرد

به شاننش آیتی میگویم از خوبی، به یاد آور

ز دورانی که عدل و داد و انصاف کیانی کرد

خجسته پیشوای عادل و شاه خدا جویی

ملک خویی که با صاحبدلی صاحبقرانی کرد

قدم بر مرغزار عدل و داد و نیکنامی ماند

وطن را با عدالت پاسداری و شبانی کرد

به مظلومان مدارا، با تُهی دستان عنایت داشت

به مسکینان محبت، با غریبان مهربانی کرد

به آبادی مُلک و مملکت کوشان و ساعی بود

پی تحکیم آزادی میهن جان فشانی کرد

جدا از مردم خود زندگانی، زندگانی نیست  
خوشا شاهی که در دلهای مردم زندگانی کرد  
اگرچه تیره روزان قدر دورانش نمی دانند  
به دوران خود آنچه کرد این بابای ثانی کرد  
جهان را با جهانبانی بقایی نیست صد افسوس  
بقای جاودانی یافت، ترک دار فانی کرد  
"اسیر" از آن شگوفانی بخاطر یادها دارم  
ترا باید، کز آن دور طلائی قدردانی کرد

